

بازنگری حجاب در آینه تجربه زیست معنوی نومسلمان محجبه آلمانی (ترجمه و خوانش مقاله دکتر کلودیا عزیزه سیز)

ناهید طیبی*

چکیده

پوشیدگی باورمند یا حجاب، در کشورهای اروپایی، در قالب نماد نمایان اسلامی، پس از واقعه یازدهم سپتامبر، به مسئله مهمی تبدیل شده است. در این میان، تجربه زیسته و تحلیل نومسلمانان پس از انتخاب آگاهانه حجاب، تعریف جدیدی را برمی‌تابد. در این نوشتار، با استفاده از مقاله «Being a Muslim Woman in Academia and Journalism» (زن مسلمان بودن در مرکزهای آموزشی و مطبوعاتی)، نگاشته دکتر کلودیا عزیزه سیز (نویسنده و کنشگر نومسلمان آلمانی)، به تجربه زیسته وی در رابطه با حجاب پرداخته می‌شود. بر اساس دستاورد تحقیق، تجربه زیسته وی - که یک زن محجبه است - نشانگر توجه برخی از شهروندان اروپایی به شأن و جایگاه معنوی زنان محجبه است. تعبیر «حجاب، علامت شفاف قابل مشاهده از زیست پرهیزکارانه زنان»، برساخته این بانوی آلمانی است. وی تجربه تلازم پوشیدگی و زندگی دین‌مدارانه و احساس بانوی الهی (Women of God) بودن را با آیه «...ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ...» (احزاب، ۵۹) منطبق دانسته و معتقد است که خدا با حکم حجاب می‌خواهد که زنان باورمند از دیگر زنان بازشناخته شوند.

واژگان کلیدی: حجاب، تجربه زیسته، کلودیا عزیزه سیز، زنان نومسلمان، آیه حجاب.

*. دکترای تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیها‌السلام. ۱۱۰ tayyebi@yahoo.com

۱. بیان مسئله

خانم کلودیا عزیزه سیز (Claudia Azizah Seise)^۱ از نویسندگان روزنامه نویس آلمانی، مقاله‌ای به زبان انگلیسی برای چاپ در دانشنامه زن مسلمان، وابسته به جامعه الزهراء علیها السلام فرستاد و از آنجاکه در آن نکته‌های قابل توجهی در مورد تجربه شخصی وی از «زن مسلمان و محجبه بودن» در اروپا، و تطبیق آن با آیه‌های حجاب وجود داشت، ترجمه مقاله از انگلیسی به فارسی از سوی نگارنده این اثر صورت گرفت و سپس به تحلیل و تبیین آن پرداخته شد. به نظر می‌رسد که میان دیدگاه صاحب نظران و صاحبان اثر در مورد حجاب و پوشیدگی زنان و آنچه که زنان محجبه در قالب تجربه زیسته خویش مطرح می‌کنند، تفاوت معناداری وجود دارد و خوانش و نگرش تجربه‌های افراد محجبه، تعریف واقع‌گرایانه‌تری به دست می‌دهد؛ زیرا سوگیرانه نبوده، تجربه زیسته آنان است؛ در حالی که نظریه‌ها و تحلیل‌های صاحب نظران از حجاب در اروپا، گاه متأثر از گرایش‌های شخصی یا هدف‌های ویژه شخصی یا سازمانی برخی از افراد یا مؤسسه‌های سفارش‌دهنده آثار، تنظیم می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد دیدگاه غربیان درباره حجاب، آثاری منتشر شده که بیشتر نظریه پردازانه است. کتاب «مسئله حجاب در غرب: بررسی حقوقی - جامعه‌شناختی» نگاشته

۱. بانوی مسلمان اروپایی که در سال ۱۹۸۳ در آلمان به دنیا آمد و اکنون در دهه چهارم زندگی خویش است. وی اصالتاً آلمانی است و دوره دکتری خود را در رشته مطالعات آسیای شرقی و علم انسان‌شناسی، در دانشگاه هومبولت برلین (Humboldt universitat zu berlin) در کشور آلمان گذرانده است. وی در سال ۲۰۰۸، در سن ۲۵ سالگی، اسلام را پذیرفت و مسلمان شد و به گفته خود، از آن زمان، انگیزه قوی و موضوع‌های جذاب را برای نگارش مقاله‌های ژورنالیستی یافته و همچنین در جایگاه مدرس تمام‌وقت، از آوریل ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۱۹، در دانشگاه اسلامی بین‌المللی مالزی کار کرده است. البته او به سبب اهمیت و پیشی داشتن جایگاه مادری و تربیت فرزند بر کارهای اجتماعی و اقتصادی، با انتخاب خویش، اکنون استاد مدعو در مؤسسه‌های گوناگون آموزش عالی در اندونزی است و در کنار تدریس، به نوشتن نیز می‌پردازد و به گفته خود، «یک مادر تمام‌وقت» برای دو فرزندش و نیز یک نویسنده است. راه ارتباط با وی: «Instagram/Twitter: @clazahsei».

علی غلامی که در سال ۱۳۹۱ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام به چاپ رسیده، به وضعیت پوشش زنان در اروپا، و نوع رویارویی جامعه و حاکمیت با آن، پرداخته است. گفتنی است، در بخش‌های گوناگون کتاب، به دیدگاه‌ها و تعریف‌های غربیان درباره حجاب پرداخته شده، اما تجربه زیسته محجبه‌ها در این کتاب نیامده است.

در گستره تجربه زیسته گروه‌های گوناگون در رابطه با حجاب و پوشیدگی، مقاله‌های داخلی زیادی نگاشته شده است؛ مانند مقاله «تحلیل ادراک و تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر در مورد پوشش مناسب در مدارس متوسطه»، نوشته زهرا میرطاهری و کیوان صالحی که در سال ۱۳۹۴ چاپ شده و در آن به طور خاص و مسئله‌محور به تجربه زیسته دختران در مورد پوشش در مدرسه‌ها پرداخته شده است.

همچنین مقاله‌هایی که تجربه زیسته دختران و زنان ایرانی در رابطه با حجاب را تحلیل کرده باشد، وجود دارد و در بخش تجربه زیسته تحقیق حاضر کارآمد خواهد بود، اما از آنجاکه تجربه زیسته ملت‌های غیرمسلمان و اروپایی مورد نظر است، بهترین پیشنهاد را می‌توان مقاله «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا: از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، نوشته مجید امامی و نوید عمیدی مظاهری، دانست که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است. در این مقاله، تقابل با حجاب به مثابه مانع جدی همزیستی و تنوع فرهنگی، با نگاهی به چالش‌های حقوقی، رسانه‌ای و مفهوم شهروندی فرهنگی موجود در نظام فرهنگی اروپا، بازخوانی می‌شود. البته در این مقاله نیز از نگاه حاکمیت و حقوق و سیاست مدنی به مسائل زنان محجبه در غرب پرداخته شده و وجه تمایز مقاله پیش رو با مقاله یادشده این است که تمرکز نوشتار پیش رو بر تجربه زیسته زن محجبه در اروپا، و نگاه و قضاوت شهروندان اروپایی، و نه نگاه دولت‌ها و قانون‌گذاران به یک زن محجبه، است؛ هرچند در مقاله حاضر، از یافته‌های علمی مقاله گفته شده، به لحاظ دسته‌بندی منبع‌هایی که به واکاوی گفتمان

حجاب در غرب پرداخته، استفاده شده است.

مقاله «بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی: جنبه حقوقی و سیاسی»، نگاشته دکتر سوسن صفاوردی که در سال ۱۳۸۹ چاپ شده و در آن به نقش و شگردهای رسانه‌های غربی در بازنمایی حجاب پرداخته شده، در بخش برخورد دنیای غرب با مقوله حجاب، قابل استفاده است.

افزون بر آثار پیش‌گفته، در سال ۱۳۹۸، یک نشست علمی با عنوان «تجربه زیسته زن مسلمان در غرب»، به همت کانون بین‌الملل دانشکده زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب، در این دانشگاه برگزار شد و در آن، خانم دکتر لیزا لوته عبید (استاد دانشگاه وین) با تمرکز بر کشور اتریش بیان کرد که اتریش و مجارستان در میان کشورهای اروپایی، بیشترین خشونت را علیه مسلمانان دارند و مسلمانان به‌طور کلی با احساس بی‌اعتمادی و بدگمانی روبه‌رو هستند. به گفته وی، نهادهای اسلامی در اتریش بیش از صد سال است که به رسمیت شناخته شده و کانون مسلمانان تا سال ۲۰۱۵ در اتریش وجود داشته که پس از آن، تجدیدنظر شد؛ اما در ادامه، کانون جدیدی آمد که امکانات را برای مسلمانان محدود کرد. وی به مقاله‌ای اشاره می‌کند که در آن نگرش مردم اتریش در خصوص همزیستی با مسلمانان بررسی شده و نویسنده پرسشنامه‌ای میان مردم اتریش توزیع کرده و از آن‌ها در مورد احساسشان در خصوص همزیستی با مسلمانان پرسش‌هایی کرده است. در بخش دستاورد این تحقیق مشخص شد که میان همه نگرانی‌هایی که مردم اتریش دارند، «اسلام رادیکال یا افراطی»، جایگاه دوم را دارد و تغییر اقلیم در جایگاه نخست نگرانی آن‌ها است و نگرانی‌های مالیاتی و بازنشستگی در جایگاه سوم قرار دارد. به گفته وی، در اتریش، نه تنها داعش که شیعیان را نیز اسلام رادیکالی می‌دانند و این اسلام‌هراسی به‌طور کلی وجود دارد، چه در مورد اهل سنت و چه در مورد شیعیان. این مسئله بر زندگی زنان مسلمان در اتریش تأثیر دو برابر می‌گذارد (از نظر رعایت حجاب و سبک زندگی).

در مجموع، تجربه زیسته زن مسلمان محجبه در اروپا و تطبیق این تجربه

با هدف‌های به‌دست‌آمده از آیه حجاب، به استناد سخنان یک بانوی تحصیل‌کرده اروپایی، نخستین بار در مقاله پیش رو، مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳. مفهوم تجربه زیسته و روش پدیدارشناسی در آثار کلودیا سیز

تجربه زیسته معادل واژه آلمانی «das Erlebnis» است و در دانشنامه بروکهاوس، ذیل مدخل «Erlebnis»، با تعبیر «درونی شدن یک رویداد مهم و معنابخش درونی یا بیرونی» معنا شده است (بروکهاوس، ۱۸۰۵: ذیل مدخل). در واقع، رویداد تجربه‌شده‌ای که فردی به نحوی تأثیرگذار و خاص تجربه کرده باشد، تجربه زیسته وی است. در زبان انگلیسی و آثار مربوط به ویلهلم دیلتای، معادل انگلیسی تجربه زیسته، «Lived Experience» است. تجربه زیسته در روش تحقیق پدیدارشناسی مطرح می‌شود و به‌طور معمول، تجربه‌های زنده، اساس تحقیق پدیدارشناسی را تشکیل می‌دهد. پدیدارشناسان، اشتراک مشارکت‌کنندگان در تجربه یک پدیده را مورد توجه قرار می‌دهند و هدف اصلی آنان تقلیل تجربه‌های افراد از یک پدیده به توصیفی از ذات فراگیر یا ماهیت واقعی آن چیز است (کرسول، ۲۰۱۵: ۷۹). گفته شده که انسان که موجودی اجتماعی است، همواره در جهان پیرامون خود معنا می‌آفریند و در تحقیق پدیدارشناسانه، کنش اجتماعی معنادار انسان تشریح می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۹). در این روش پژوهش، فهم مسئله از بیرون و نه از درون و با رویکردی تفسیری صورت می‌گیرد. پدیدارشناسی، روشی فلسفی است که بر تجربه آگاهانه و مستقیم پدیده‌ها استوار است و بر اساس این روش باید با برخورد خالص، دست اول و رها از نظریه‌ها و شائبه‌های پیشین، به ماهیت پدیده پی برد. روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی که با هدف درک ساختار اصلی پدیده‌های تجربه‌شده انسانی است، به دنبال درک عمق مفهومی تجربه‌های زیسته است (ن.ک: ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷).

۴. مروری بر تعریف حجاب در حجاب‌نگاشته‌های غیرمسلمانان

به‌طور معمول، تعریف مسلمانان از حجاب، بر آموزه‌های دینی، مبتنی، و بر آیه‌ها و روایت‌ها و آموزه‌های خانواده منطبق است؛ اما آنان که از نخست مسلمان نبوده و سپس اسلام را برمی‌گزینند، بر اساس تجربه‌های شخصی و برداشت‌های درونی خویش، به احکام دینی و از جمله حجاب، نظر دارند. حجاب از ریشه «حجب»، به معنای هر چیزی است که مانع رسیدن (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۸۶) یا مانع داخل شدن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۸) چیزی به چیز دیگر شود. دو تعبیر «منع از داخل شدن» و «منع از رسیدن» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۲۱۹)، از ویژگی‌های معنایی حجاب در منبع‌های واژگانی است. معادل فارسی حجاب، واژه‌های «پوشش»، «پوشیدگی»، «بدن‌داری» و «مدیریت بدن» است. در مجموع، شاخصه‌های اصلی حجاب در حوزه واژگان، «مانع بودن»، «حائل بودن» و «پوشیدگی» است.

به‌لحاظ جامعه‌شناسی، حجاب به‌مثابه کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن، معنایی ذهنی، و ارزشی نمادین قائل است، و عمل یا کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباط‌های میان‌فردی، و متأثر از دریافت‌های دیگران در حوزه عمومی است. موضوع حجاب زنان و هنجار یا ناهنجاری در پوشش، «وضعیتی اظهارشده» است؛ یعنی وضعیتی است که گفته می‌شود که وجود دارد و مردم در مورد آن صحبت می‌کنند، رسانه‌های جمعی درباره آن بحث می‌کنند و نخبگان سیاسی و اجتماعی نیز آن را مورد تحلیل و دقت علمی قرار می‌دهند (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۹۳).

حجاب شرعی که نقطه تمرکز این تحقیق است، آن میزان از پوشیدگی است که از ناحیه دین تشریح شده و هر مسلمان و نومسلمانی به رعایت آن موظف است. این نوع پوشیدگی تشریحی در «کتاب الصلوه (بخش ستر صلاتی)»، و در باب «فی‌الستر والساتر» در رساله‌های علمیه، وارد شده است (ن.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۲).

گرچه تاکنون تعریف‌های زیادی از پوشیدگی و به‌ویژه از اصطلاح شرعی آن یعنی «حجاب»، از سوی مستشرقان ارائه شده - که هر یک ناظر به بُعد و جنبه‌ای از حجاب است - اما آنچه که قابل تعمق و تحلیل می‌نماید، نگاه و تعریف «نومسلمانان»، با توجه به احساس‌های درونی و تجربه زیسته آنان، از حجاب است.

نوع رویارویی صاحب‌نظران غربی با مسئله‌ها و موضوع‌های اسلامی و از جمله حجاب، متفاوت و گاه متضاد است. برخی با اشاره به محدودسازی زنان به دلیل داشتن حجاب، در ردّ آن مطلب نگاشته‌اند و بعضی دیگر، با نگاهی احترام‌آمیز به آن پرداخته‌اند. نشریه آلمانی «دی سایت (Die Zeit)»، در مقاله‌ای با عنوان «یک بام و دو هوا»، مسئله تضادهای فرهنگی میان مسلمانان و جامعه غربی را مورد بحث قرار داده است؛ در این مقاله، اسلام در قالب جریانی سیاسی و نه دینی، مطرح شده است. مهم‌ترین عنصر در جهان بینی اسلامی در این نشریه، مغایرت حقوق زنان با مردان و به‌طور برجسته در سبک پوشش آنان است. بر اساس تحلیل مقاله یادشده، اسلام فراتر از دین است و یک پایگاه سیاست را شکل می‌دهد (بشیر، ۱۳۹۰: ۶۹). بی‌تردید زمانی که حجاب در قالب نمادی سیاسی انگاشته شود، زمینه هجمه بیشتر به پوشش زنان مسلمان فراهم می‌آید؛ چنان‌که گفته می‌شود که رسانه‌های غربی با بازتاب موفقیت‌های زنان مسلمان غیرمحجبه و با بازنمایی روش زندگی و ایدئولوژی غربی آنان، وضعیت آن‌ها را مثبت نشان می‌دهند (ن.ک: صفاوردی، ۱۳۸۹: ۳۳۵، به نقل از: استوارت هال) تا پوشیدگی و حجاب را مانعی برای موفقیت و حضور اجتماعی مؤثر زنان معرفی کنند. شاید به این دلیل است که دکتر کلودیا سیز، نویسنده مقاله «زن مسلمان بودن در مرکزهای آموزشی و مطبوعاتی» معتقد است که زنان محجبه رسالت دارند که تراحم نداشتن پوشش با فعالیت‌های اجتماعی و آکادمیک خود را با عملکرد خویش به جامعه نشان دهند.

به نظر می‌رسد که دیدگاه تک‌بعدی و سیاسی‌انگاری دین اسلام در

مسیر اسلام‌هراسی نوین (new islamophobia)، پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ قرار دارد. البته اقدام‌های ضدحجاب حکومت‌های دنیای غرب را نیز نباید نادیده گرفت؛ چنان‌که انگلستان در همان سال ۲۰۰۱، با اخراج دانش‌آموزان و دانشجویان محجبه، مانند شبینه بیگم و کانونی، و نیز نپذیرفتن امینه مهتاز، دانشجوی نخبه انگلیسی در دانشگاه، با حجاب مقابله کرد (ن.ک: غلامی، ۱۳۹۱: ۳۵۲ - ۳۵۳). فرانسه نیز سه سال پس از آن، قانون ممنوعیت استفاده از روبند را تصویب کرد و در اسپانیا در سال ۲۰۱۰ همین قانون اعمال شد (حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

نویسندگان مقاله «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا: از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، با تهیه فهرست گسترده‌ای از پژوهش‌ها و نوشته‌های سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ در غرب، برای فهم دقیق مسئله حجاب از منظر سیاست‌مداران و پژوهشگران اروپایی، جدولی در چهار صفحه از مقاله‌های نگاشته شده (با ثبت رویکرد مقاله، نام مقاله، نام نویسنده و توضیح‌هایی در قالب پیشینه پژوهش) ارائه کرده‌اند. در این پژوهش، بیشتر، از کتاب‌ها و مقاله‌های منتشرشده در کتاب‌های دانشگاهی استفاده شده است (امامی و عمیدی مظاهری، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۴). به سبب نقش این نگاشته‌ها در مقدمه بحث نوشتار حاضر، به برخی اشاره می‌شود، اما برای آگاهی بیشتر، لازم است که مقاله یادشده مطالعه شود.

بر اساس این جدول، به‌طور معمول، نوشته‌های مستشرقان، همدلانه با حجاب نیست؛ چنان‌که اوژمپولو^۱ در مقاله‌ای، کشف رابطه تعارض‌آمیز میان امر سکولار و امر مذهبی را ادعا می‌کند؛ وی در مقاله‌اش با عنوان «تأمل از چشم‌انداز سکولاریسم: بحث درباره حجاب مسلمانان در اروپا»^۲، به بیان کشف خود از این رابطه متعارض پرداخته است. کلاین نیز در مقاله «زنان مسلمان،

۱. Avramopoulounv.

۲. Thinking through secularism: debates on the Muslim veil in Europe.

برخی از داستان‌های غربی^۱، به سرکوبی زنان مسلمان می‌پردازد. هما هودفر در مقاله «فراتر از پوشش: حجاب به عنوان راهبرد سازگاری»^۲، تأکید می‌کند که حجاب یک تجربه زیسته سرشار از تناقض‌ها و معناهای چندگانه است و در برخی از زمینه‌ها، از حجاب در قالب ابزار کنترل و قاعده‌بندی زندگی زنان استفاده می‌شود. در برابر این دیدگاه‌های مقابله‌گرانه با حجاب، بورلی وبر^۳، در مقاله «مقنعه‌های بحث‌برانگیز: زنان با اخلاص، معلم ممنوع از فعالیت و شهید حجاب»^۴، به بحث‌های مقنعه در رسانه‌ها، و به شرح و تبیین ماجرای «ماروه شربینی» - که شهید حجاب در گفتمان قانونی و گفتمان سیاسی است - می‌پردازد (بورلی وبر، ۲۰۱۳: ۷۷-۱۱۲). تایلر نیز در مقاله «من فقط می‌خواهم خودم باشم: نکته‌هایی در باب هویت برای یک زن مسلمان آمریکایی»^۵، از حجاب زنان مسلمان در جامعه آمریکا و حقوق زنان در جامعه‌های اسلامی دفاع می‌کند (برای آگاهی بیشتر، ن.ک: امامی و عمیدی مظاهری، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۴). برای آشنایی بیشتر با حجاب در نگاه شرق‌شناسان، کتاب‌های اختصاصی حجاب - که از سوی غربیان نگاشته شده - از مهم‌ترین منابع‌ها به شمار می‌رود^۶.

افزون بر حجاب‌نگاشته‌ها، مروری بر منبع‌های غیرمکتوب و رسانه‌ای، دیدگاه جدیدی را در مورد تعریف حجاب در غرب، فراروی ما قرار می‌دهد.

1. «Muslim Women: Some Western Fictions». ن.ک: مقاله.

2. «More Than Clothing: Veiling as an Adaptive Strategy». ن.ک: مقاله.

3. Beverly Weber.

4. Contentious Headscarves: Cleaning Woman, Forbidden Schoolteacher, Hijab Martyr.

5. I Just Want to Be Me: Issues in Identity for One American Muslim Woman.

۶. برای نمونه، ن.ک:

Bullock, Katherine (2002), *Rethinking Muslim Women and the Veil: Challenging Historical & Modern Stereotypes* (London: The International Institute of Islamic Thought); Sultana Alvi, Sajida, Hoodfar, Homa & Sheila McDonough (editors) (2003), *The Muslim Veil in North America: Issues and Debates* (Toronto: Women's Press); El Guindi, Fadwa, *Veil: Modesty, Privacy and Resistance* (Oxford and New York).

از آنجاکه مقاله حاضر بر تجربه زیسته متمرکز است و تجربه زیسته، همواره تخته‌بند زمان است، برای بررسی آن می‌توان به منبع‌های غیرمکتوب و رسانه‌ای معاصر مراجعه کرد. در «ساله» - که از جمله برنامه‌های رسانه‌ای است و در آن بانوانی که از دیگر دین و مذهب‌ها، به دین اسلام مشرف شده‌اند، خاطره‌های خود را از چگونگی گرایش به اسلام و حجاب، و همچنین اثرگذاری پوشش بر زندگی خویش بیان می‌کنند - مجموعه‌ای از تجربه‌های زیسته مشابه مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، خانم لنه متیه سن (سمیرا خادم)، از کشور دانمارک - که از مسیحیت به اسلام روی آورده - با اشاره به تغییر نگاه افراد به او پس از انتخاب حجاب، می‌گوید: «به نظر من، حجاب، زیبایی بانوان است». وی با تصریح به اینکه بیش از پیش، نگاه‌های احترام‌آمیز را از دیگران دریافت می‌کند، تجربه زیسته خود را با جمله‌های «حجاب تنها یک روسری یا چادر نیست، بلکه روشی است که یک زن رفتار می‌کند»، «حجاب هم در درون، هم در بیرون، واقعاً انسان را قدرتمند می‌کند» و «حجاب، یک تکه پارچه نیست، بلکه بسیار فراتر از آن است» (ن.ک: گروه ترجمه انجمن اسلامی شهید ادواردو آنیلی، سامانه رهیافتگان، ۱۴۰۰/۱/۲۹) اعلام می‌کند. به اعتقاد جیم براون، نومسلمان آمریکایی، حجاب، واقعاً انسان را نیرومند می‌کند؛ چنان‌که کاترین ریز، بانوی تازه‌مسلمان آمریکایی نیز حجاب را «یک محافظ معنوی» و فراتر از یک لباس و محافظ فیزیکی برای زن مسلمان می‌داند. به اعتقاد وی، حجاب یک شاخص واقعی تسلیم و خداآگاهی است و با توجه و اطاعت، به فرد کمک می‌کند تا دنیا را کنار بزند (ن.ک: همان: ۱۴۰۰/۵/۲۵، گزارش رهیافتگان، پایگاه جامع مبلغان و تازه‌مسلمانان). تعبیرهای یادشده، از تجربه‌های زیسته گویندگان آن حکایت دارد و برخورد افراد با پوشیدگی و حجاب زنان مسلمان، زمینه این تعریف‌ها است.

به اعتقاد خانم ایسنستین، مشکل زنان افغانستان یا کشورهای اسلامی دیگر این نیست که از زندگی خانوادگی و پوشش خود رها شوند، بلکه آنان پوشش

بازنگری حجاب در آینه تجربه زیست معنوی نومسلمان محجبه آلمانی ■ ۱۶۹

خود را نوعی تعلق به خانواده و موجب حرمت زن می‌دانند. (ایسنستین، ۲۰۱۰: ۱۹۰). وی به نقد این جامعه‌شناسی که با مشاهده زنان پاکستان گمان می‌کرد که این حرکت زنان با روبند، نوعی «انزوای متحرک» است و آنان را از عرصه عمومی دور می‌کند و زنان اگرچه ظاهراً در جامعه حضور پیدا می‌کنند، ولی در حقیقت گوشه‌گیر و محصور هستند، پرداخته، می‌گوید که این روبند، آزادی را برای زنان به ارمغان می‌آورد؛ زیرا همه‌جا را برای آنان «خانه متحرک» می‌کند و امنیتی که در خانه دارد، به دلیل این پوشیدگی همیشگی با او است (همان: ۱۹۰ - ۱۹۱؛ نیز ن.ک: سمیعی، ۱۳۹۸: ۱۵۱ - ۱۵۲).

۵. تحلیل مقاله «زن مسلمان بودن در مرکزهای آموزشی و مطبوعاتی»

۵.۱. بررسی مجموعی مقاله خانم کلودیا سیز

کلودیا سیز، در مقاله خویش، نخست، مسئله نوع نگاه اروپاییان به زنان محجبه را با توجه به تجربه زیسته خود و بر اساس مشاهده‌هایش ترسیم کرده و ارتباط پوشش با دین‌داری و خداباوری را با تمرکز بر تلقی جامعه اطراف خویش بیان می‌کند. وی می‌نویسد: «بسیاری از زنان مسلمان ساکن در کشورهای غالباً غیرمسلمان، مانند آلمان، نگاه‌های خیره‌نازاحت دیگران به خود را می‌شناسند؛ نگاه‌هایی که به نظر می‌رسد که حس افسوس به آنان را دارند، به همراه پچ‌پچ‌ها یا واژه‌هایی زک‌وپوست‌کننده. همه این‌ها به دلیل این است که زنان مسلمان، سر خود را پوشانده و عقیفانه لباس می‌پوشند. زنان مسلمان از فرمان‌های آفریننده خویش پیروی می‌کنند؛ زیرا اطمینان دارند که هرآنچه که خدا نازل کرده، بهترین آن‌ها است؛ به هر حال، داشتن این اطمینان در باور، به این معنا نیست که زنان مسلمان، با حالت منفی زندگی روزانه، روبه‌رو نمی‌شوند» (عزیزه سیز، ۲۰۲۲: ۱).

وی تمایز زنان محجبه با دیگران در به دست آوردن امتیازهای اجتماعی را یک حقیقت تلخ غیرقابل‌انکار دانسته، می‌نویسد: «صادقانه، زنان مسلمان

که روسری می‌پوشند، در آلمان متمایز هستند. این یک حقیقت است؛ برای نمونه، کسی که روسری به سر می‌کند، سخت و تقریباً محال است که معلم مدرسه عمومی، به‌ویژه در پایتخت، برلین، باشد. دیگر شغل‌ها نیز با ملاحظه‌هایی، پوشش روسری را با تغییرهای زیاد اجازه می‌دهند» (همان)؛ سپس تجربه شخصی‌اش را بیان کرده، می‌نویسد: «شخصاً احساس می‌کنم که بسیاری از غیرمسلمانان که با آنان روبه‌رو می‌شوم، با خود (ماهیت) روسری که یک علامت شفاف قابل مشاهده از پرهیزکاری زیسته من است، مسئله دارند. در آلمان، کشوری که دین و باور راستین به خدا در آن با پیامدهای عملی از این اعتقاد شدید همراه است، نمایش پرهیزکاری در چنین مسیر باز و مطمئنی سبب رنج و ناراحتی دیگران می‌شود» (همان).

وی پیش از بیان ادامه تجربه‌اش در رشته حرفه‌ای خود، به حکم پوشش در قرآن ارجاع می‌دهد و اینکه چگونه با رنج یادشده در بالا و تجربه شخصی متمایز بودن در قالب یک بانوی الهی، ارتباط می‌یابد و با انتخاب عنوان «Women of God»، به معنای زنان خدایی یا زنان مقدس، به بحث جدید و منحصر به فردی در مقوله حجاب ورود می‌یابد و می‌نویسد: «خدا در قرآن، در آیه ۵۹ احزاب یادآوری می‌کند که زنان باید خویش را بپوشانند تا شناخته شوند! خدا می‌خواهد زنان مسلمان در قالب زنان باورمند، از دیگران متمایز شوند. این یک نکته جذاب است که من دوست دارم با ارائه تجربه شخصی‌ام از چند سال پیش، وقتی با قطار از آلمان به لهستان سفر کردم، بر آن تأکید کنم. من روسری سفید و لباس بلندی پوشیدم. قطار به‌طور کاملاً ناگهانی برای مدت طولانی در وسط یک جای ناشناخته توقف کرد و به همین دلیل بود که مسافران قطار به گفتگو با یکدیگر مشغول شدند. نخست، مردی از من پرسید که از کدام

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ (ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند؛ این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است [و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده، توبه کنند]. خدا همواره آمرزنده رحیم است).

گروه (فرقه) مسیحی هستم؛ من کاملاً از این پرسش شگفت زده شدم و به او گفتم که مسلمانم و به همین دلیل خود را پوشانده‌ام. حالا دیگر او شگفت زده شده بود. در موقعیت دیگری به مجرد ورود به فرودگاه شهر خودم، پرسش مشابه آن از من پرسیده شده بود. این دو برخورد، مرا به تعمق واداشت. من در قالب یک زن مقدس (الهی) شناخته می‌شدم؛ زیرا خود را پوشانده بودم. مردم فکر می‌کردند که یک راهبه مسیحی هستم. این مسئله حس خوشحالی به من می‌داد؛ زیرا مردم مرا در قالب زنی که به خدا نزدیک است، می‌شناختند. هرچند، این ادراک یا تصور مشابه که کسی یادآور خدا باشد، همچنان مردم را به احساس ناراحتی وامی‌دارد. تحلیل من این است که مردم غیرمتدین در اطراف زن پوشیده، به احساس ناراحتی تمایل دارند؛ زیرا آنان (زنان پوشیده) یادآور خدا هستند؛ بنابراین، این حقیقت که خیلی از مردم آلمان معتقدند که خدا وجود ندارد، در مورد زنان مسلمانانی که ارتباط با خدا را اظهار می‌کنند، منتج می‌شود به اینکه برخورد متفاوتی داشته باشند و احساس متفاوتی را ایجاد کنند» (عزیزه سیز، ۲۰۲۲: ۲).

به گفته کلودیا سیز در دانشگاه غربی به طور عموم به نظر می‌رسد که تحمل زیادتری در مورد نمادهای دینی، مانند روسری، وجود داشته باشد؛ با وجود این، می‌نویسد: «تجربه‌ها در زندگی روزانه این احساس را به من می‌دهد که باید به طور صریح نشان دهم که پرهیزکاری (پاک‌دامنی) من، نقشم را در قالب یک تحصیل‌کرده محدود نمی‌کند. این احساس، نتیجه تجربه‌های روزانه من از حالت تبعیض‌آمیز و منفی در مورد زنان محجبه مشروح در بالا است. گرچه اینجا به نظر می‌رسد که در دانشگاه تحمل بیشتری در رویارویی با زنان محجبه هست، اما در واقع، این تحمل و بردباری محدود شده است. از آنجاکه اسلام یک شیوه زندگی است و در همه مظاهر زندگی ظهور می‌یابد، برای نمونه، مفاهیم مطمئنی در علوم اجتماعی وجود دارد که من نمی‌توانم بپذیرم که با جهان بینی اسلامی من سازگاری دارد. هنگام طرح این بحث‌ها در مباحثه‌ها با همکاران

غیرمسلمان یا همکارانی که مسلمان لیبرالی نامیده می‌شوند، معمولاً یک رفتار غیرحرفه‌ای ایجاد می‌شود و من ترجیح می‌دهم که در مورد آشکار ساختن آنچه که آن را دیدگاه‌های غیرلیبرالی می‌نامم، ساکت بمانم» (همان).

کلودیا سیز با استفاده از اصطلاح ویژه «self-silencing (خودسکوتی)» نگرانی خویش را بیان کرده، می‌گوید: «این خودسکوتی (سکوت اختیاری)، یک مسئله گیج‌کننده است؛ زیرا این سکوت، از دیدگاه‌های تحمل‌ناپذیر اکثریت موسوم به دانشگاهیان لیبرال در برابر دانشگاهیانی با پس‌زمینه دینی که دیدگاه‌های سنتی و چگونگی ارتباط با خدا را ساختاربندی و حفظ کرده‌اند، حمایت می‌کند؛ مثالی که به‌طور خلاصه خواهم زد، این باور مسلمانان است که «خدا همه چیز را به صورت جفت آفرید». آفرینش جفتی، نر و ماده - که یک ابزار معرفت‌شناسی (شناخت‌شناسی) است - مطابق جهان‌بینی اسلامی عملکرد دارد؛ بنابراین، یک مسلمان دشواری‌هایی خواهد داشت و یک معمای معنوی پیچیده‌ای را برای موافقت با ایده تکثرگرایی (گونگونی جنسیت) احساس می‌کند و در هر حال، آن احساس بر او احاطه دارد. اینکه دانشگاهیان مسلمان در دانشگاه‌های مشهور غربی در بخش‌هایی از دنیا باید برای بیان دیدگاه متفاوت غیر از آنچه در حال حاضر از نظر اجتماعی و سیاسی با ملاحظه‌های تکثر جنسیتی مورد پذیرش است، دقت بیشتری داشته باشند، به این دلیل که اگر تصمیم بگیرند که دیدگاه متفاوتی را بیان کنند، ممکن است شغل خویش را به‌سادگی از دست دهند، پذیرفتنی نیست» (عزیزه سیز، ۲۰۲۲: ۳).

راهکاری که خانم سیز در رویارویی با لیبرال‌های اسلامی در اروپا ارائه داده و خودش نیز به آن ملتزم است، در بخش‌های پایانی مقاله آمده است: «من خودم که یک فرد تحصیل‌کرده در رشته مطالعات آسیای شرقی و علم انسان‌شناسی هستم، تلاش کردم که به‌وسیله محور قرار دادن موضوع‌های تحقیقی - که ظرفیت بالایی را برای افزایش جدال (مناقشه‌ها) ندارند - از عهده این مسئله پیچیده چندبعدی معنوی برآیم؛ به‌هر حال، این احساس باقی می‌ماند که

من باید از هر دو هویت‌م، یعنی تحصیل‌کرده/پژوهشگر و مسلمان بودن، یا به عبارتی دیگر، تحصیل‌کرده مسلمان/پژوهشگر مسلمان، حمایت کنم. این تصور عجیبی است که در ذات تحصیل سکولار (به‌ویژه در اومانیزم) است که هیچ‌کس با متدین بودن نمی‌تواند عینی و علمی باشد و اگر بی‌دین باشد، دارای عینیت‌گرایی بالاتری است؛ این یک فرضیه نادرست است؛ زیرا هر شخصی شرایط ذهنی و عقیده فردی خود را دارد که اعتباردهنده او در قالب یک فرد تحصیل‌کرده یا پژوهشگر است. من این موضوع را مدت‌ها است که در مقاله چاپ شده‌ام، یعنی «پژوهشگر مسلمان، بازتاب‌های درونی - بیرونی تحقیق در اندونزی» (۲۰۱۹)، در مجله اسلام در آسیا، سال ۱۶ (۱)، مطرح کرده‌ام» (همان).

انگیزه‌ها، علاقه‌ها و دغدغه‌های خانم سیز در زندگی شخصی، علمی و حتی حرفه‌ای‌اش، ذیل عنوان «The Journalist Experience» (تجربه ژورنالیست (مطبوعاتی)) بیان می‌شود. وی می‌نویسد: «من همیشه نگاشتن را دوست داشته‌ام. از اوایل حدود ده‌سالگی نوشتن شعر را آغاز کردم و بعدها، نخستین مقاله‌های کوتاه‌م را نوشتم. هرچند من در واقع نگارش مقاله‌های ژورنالیستی را از سال ۲۰۰۸ شروع کردم، زمانی که اسلام را پذیرفتم، پس از آن بود که من در حقیقت موضوعی داشتم تا با شور و احساس درباره آن بنویسم. در جایگاه یک مسلمان، من نخستین گام‌های خود را در اندونزی برداشتم و آن، جایی بود که نوشتن درباره «اسلام در اندونزی» را برای روزنامه اسلامی آلمان آغاز کردم. از آن وقت تاکنون من در جایگاه یک روزنامه‌نگار مستقل مشارکت داشته‌ام. اینجا هویت اسلامی من و موضوع‌هایی که برای نگارش درباره آن‌ها انتخاب کردم، به من کمک کرد تا نوشته‌هایم منتشر شود. در حال حاضر، من برای رسانه‌های گوناگون آنلاین مسلمانان، به‌طور عمده درباره معنویت اسلامی و داستان‌های مربوط به تغییر دین و مذهب، فعالیت می‌کنم. از سویی من فقط «اینجا» توانستم موفقیت‌هایی به دست آورم؛ زیرا مسلمانم. من قادر نبوده‌ام برای رسانه

اصلی غیرمسلمان بنویسم. علت اصلی ممکن است موضوع‌هایی باشد که من برای نگاشتن انتخاب کرده‌ام. به هر حال، بر اساس تجربه شخصی‌ام احساس می‌کنم که مادامی که واسطه یا رسانه‌ای دارم که خواستار پذیرش نگاشته‌هایم است، آزادی بیشتری را در ارائه مقاله‌های ژورنالیستی نوشته شده‌ام دارم. رؤیای نگارش قطعه‌های آزاداندیشانه مطبوعاتی یا مقاله‌های علمی برجای می‌ماند. البته سختی کار اینجا است که سانسور (یا انتخاب موضوع‌ها) اساساً به وسیله شرایط اقتصادی، مدیریت می‌شود و هرکسی باید چیزی را بنویسد که بتواند بفروشد، پیش از نوشتن برای دگرگون ساختن دنیا» (همان).

وی معتقد است: «یک زن مسلمان حرفه‌ای بودن، تنها به شرایط بیرونی مربوط نیست که به ما اجازه بدهد یا اجازه ندهد یک سیر علمی، روزنامه‌نگاری یا هر رشته دیگری را دنبال کنیم. ما حتی نباید درباره هویت مسلمانی خودمان در میان دنیای حرفه‌ای گفتگو کنیم. یک زن مسلمان حرفه‌ای بودن همچنین متضمن برپا داشتن حقیقت در دین خود و ارزش‌های اخلاقی، مانند جهان‌بینی اسلامی ما، در هر موقعیتی است» (همان).

آنچه ذهن بانو سیز را آزرده می‌کند، معامله سراسر باختی است که برخی از لیبرال‌ها در رابطه با دین و دنیایشان انجام می‌دهند. وی هشدار می‌دهد که «ما نمی‌توانیم و نباید جهان‌بینی اسلامی خود را برای موضوع‌های دنیایی بفروشیم. این مسئولیت‌هایی را شامل است که از ناحیه پروردگاران به ما داده شده است. زنان مسلمانی که در کنار کودکانشان به آرامش می‌رسند، باید مشغولیت حرفه‌ای خود را با «امانتی» که خدا به آن‌ها داده، به تبادل نظر بگذارند. این به معنای نبود مشارکت اجتماعی نیست و آن‌ها باید [چنین کنند]. به هر حال این مهم است که اولویت‌بندی خودمان را مطابق با جهان‌بینی اسلامی در ذهن خویش حفظ کنیم. به تازگی نویسندگی حرفه‌ای بیش از رشته علمی به من اجازه داده که به نقشم در قالب مسلمة (زن مسلمان)، مادر و یک فرد شاغل، استحکام ببخشم؛ «داشتن دو فرزند خردسال»، «نوشتن که راهی است با هدف

تلاش برای به دست آوردن زندگی و هنوز با هدف تکمیل مسئولیت در ارتباط با فرزندانم است» و «حفاظت از سلامتی خودم». گرچه من از کار کردن در دانشگاه لذت می‌برم، [اما] طبیعتاً به شدت سخت دانشگاه آن را برای هماهنگ‌سازی با وظیفه مادری، به‌ویژه با فرزندان خردسال و آن هم یک دانشگاهی تمام‌وقت، دشوار می‌سازد» (همان).

در مجموع، با در کنار هم نهادن واحدهای اطلاعاتی موجود در مقاله خانم سیز، می‌توان به نظم اندیشه‌ای وی و دغدغه‌های علمی و اجتماعی او در قالب یک زن مسلمان معتقد و محجبه اروپایی پی برد و حجاب را بر اساس همین نظم اندیشه او تعریف و تحلیل کرد.

۵٫۲. تحلیل حجاب در نگاه کلودیا سیز

نگرش علمی دکتر کلودیا عزیزه سیز به حجاب، از یک سو، و تجربه زیسته‌اش، از دیگر سو، در مقاله‌اش به دو شکل نمود یافته است؛ وی نخست تجربه شخصی خویش را در دو موقعیت مکانی در اروپا بیان کرده، بر اساس آشنایی با مستندهای قرآنی حجاب در قرآن کریم، به تطبیق تجربه زیسته‌اش با علت حجاب در قرآن می‌پردازد و پس از آن در سایه اثبات انطباق دریافت‌های درونی با قرآن که هدایتگر بیرونی است، به فهم عمیق و جدیدی از حجاب می‌رسد. البته برای فهم بهتر شخصیت خانم سیز، آشنایی با مجموعه باورداشت‌های وی ضروری است. نکته‌های قابل توجه در نگاشته‌های خانم سیز، به‌ویژه در مقاله فرستاده‌اش - که مبنای فکری او را نشان می‌دهد و به آن‌ها تصریح کرده - موارد ذیل است:

- تأکید بر «نوشتن» برای تغییر جهان و نه برای فروش اثر و اقتصاد؛^۱

- حفظ جهان‌بینی اسلامی و نفروختن آن به مسئله‌های دنیایی؛^۲

1. writing to change the world.

2. We cannot and should not sell our Islamic worldview for worldly matters.

- اعتقاد به تزامم نداشتن زن مسلمان بودن با سبک زندگی حرفه‌ای و علمی؛^۱

- لزوم دگرگون ساختن شیوه فعالیت حرفه‌ای با محور قرار دادن نقش مادری؛ چنان‌که وی پس از مادر شدن، موقعیت شغلی خویش را از استاد تمام وقت در دانشگاه، به استاد مدعو تغییر داده، نویسندگی را که مانع نقش مادری او نمی‌شد، برجسته‌تر ساخته است؛^۲

- اعتقاد به تفاوت مبنایی میان تحصیل‌کردگان و پژوهشگران مسلمان ملتزم به باورهای دینی با تحصیل‌کردگان مسلمان با اندیشه لیبرالی.^۳

۶. حجاب، علامت شفاف قابل مشاهده از زیست پرهیزکارانه

کلودیا عزیزه سیز در مقاله‌اش پس از بیان این واقعیت که زنان مسلمان دارای روسری در آلمان متمایز هستند و کسی که روسری به سر می‌کند، به سختی و تقریباً محال است که معلم مدرسه عمومی، به ویژه در برلین، باشد و دیگر شغل‌ها نیز با ملاحظه‌هایی اجازه پوشش روسری را می‌دهند، می‌نویسد: «ترجیح می‌دهم که تجربه خویش را در جایگاه یک زن مسلمان تحصیل‌کرده و مطبوعاتی که روسری به سر دارد، ارائه دهم. شخصاً احساس می‌کنم که بسیاری از غیرمسلمانان که با آنان روبه‌رو می‌شوم، با ماهیت روسری که یک علامت شفاف قابل مشاهده از زیست پرهیزکارانه من است، مسئله دارند» (همان).

وی معتقد است که در آلمان، کشوری که دین و باور راستین به خدا در آن با پیامدهای عملی از این اعتقاد شدید همراه است، نمایش پرهیزکاری [مانند حجاب]، سبب رنج و ناراحتی دیگران می‌شود. سپس تحلیلی برای زمینه‌های این رنج ارائه می‌دهد.

1. my piety did not impact on my role as an academic.

2. to consolidate my role as Muslimah mother and professional.

3. the so called liberal academic majority towards academics with a religious background who hold traditional views.

تعبیر «A clear visible sign of my lived piety» (علامت شفاف قابل مشاهده از زیست پرهیزکارانه)، از جمله تعریف‌ها و تعبیرهای جدید در مورد حجاب است که همه بُعدهای آن را به نمایش می‌گذارد و در مورد‌های ذیل قابل تحلیل است:

- حجاب، یک نشانه، نماد و علامت بوده و اصل و منشأ آن، معرفت دینی و باور درونی است؛

- حجاب، نشانه‌ای آشکار و نه نهانی است و به لحاظ ماهیت باید یک امر مشخص و مشهود باشد؛

- حجاب، نشانه‌ای آشکار و قابل مشاهده در برابر عموم است؛

- حجاب، با سبک زندگی ارتباط تنگاتنگ دارد؛

- حجاب، پیام‌رسان زیست پرهیزکارانه و معنوی است.

در نتیجه، وجود حیا و عفاف که دو مرحله درونی و مقدمه‌هایی برای حجاب هستند، به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ زیرا نمود بیرونی نداشته، قابل مشاهده نیستند، و زیست پرهیزکارانه در پوشیدگی باورمند قابل تصویر است. رفتارهای دینی مسلمانان افزون بر بُعد درونی، دارای وجه ظاهری و مشهود بوده، به‌طور معمول با همان وجه ظاهری از سوی مخاطبان، قضاوت و تفسیر می‌شود. این رفتارهای بیرونی نشأت‌گرفته از بُعد معرفت‌شناختی و نیز احوال و باورهای درون است؛ برای نمونه، تولی و تبری - که بخشی از فروع دین است - در آغاز، امری معرفتی است و در ادامه به باور درونی تبدیل می‌شود، اما با انجام مناسک و مراسم، وجه بیرونی آن نمود و ظهور می‌یابد و در قالب تاریخ فرهنگی، به‌وسیله مراسم عزاداری یا جشن‌های مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام، به جامعه بیرون معرفی می‌شود. حجاب نیز نخست از یک نوع شناخت ناشی شده، بعد در باور درونی شکل می‌گیرد و در مرحله ظهور اجتماعی که نشانه‌ای از آن باور درونی است، ظاهر می‌شود، و زن محجبه محصول این سیر است و البته آنچه که مورد مشاهده و قضاوت قرار می‌گیرد، همین شکل بیرونی است؛ از این رو، گفته می‌شود که

حجاب به لحاظ ماهیت، امری فرهنگی است و به ارتباط‌های اجتماعی بازمی‌گردد، و از آنجاکه فقه در مذهب‌های گوناگون، هرگز از عرف اجتماعی منقطع نبوده، بخش مهمی از بحث‌های مربوط به حجاب، در قالب تعامل فقه و فرهنگ و نیز تعامل اخلاق و فرهنگ در جامعه‌های اسلامی، قابل فهم است (ن.ک: پاکتچی، ۱۳۹۷، ج ۲۰: ۱۲۱).

۷. تطبیق تجربه زیسته کلودیا عزیزه سیز با آیه‌های سوره احزاب

کلودیا سیز، پس از تبیین رنج دیگران از دیدن فرد با حجاب، به حکم پوشش در قرآن و چگونگی ارتباط رنج یادشده با تجربه شخصی متمایز بودن در قالب یک بانوی الهی می‌پردازد. سپس تحت عنوان «زنان خدایی یا زنان مقدس» تأکید می‌کند که خدا در قرآن، در آیه ۵۹ سوره احزاب یادآوری می‌کند که زنان باید خویش را بپوشانند تا شناخته شوند؛ خدا می‌خواهد زنان مسلمان در قالب زنان باورمند از دیگران متمایز شوند. وی تجربه شخصی خود را با آیه یادشده تطبیق داده، می‌نویسد: «این یک نکته جذاب است که من دوست دارم با ارائه تجربه شخصی ام از چند سال پیش، وقتی که با قطار از آلمان به لهستان سفر کردم، بر آن تأکید کنم. من روسری سفید و لباس بلندی پوشیده بودم. قطار به طور کاملاً ناگهانی برای مدت طولانی در میانه راه توقف کرد و به همین دلیل بود که مسافران قطار به گفتگو با یکدیگر مشغول شدند. نخست مردی از من پرسید که از کدام گروه (فرقه) مسیحی هستم. من کاملاً از این پرسش شگفت زده شدم و به او گفتم که مسلمانم و به همین دلیل خود را پوشانده‌ام» (عزیزه سیز، ۲۰۲۲: ۲).

وی پس از بیان این مطلب، از پرسش مشابهی که در موقعیت دیگری، به هنگام ورود به فرودگاه شهرش، از او پرسیده شده بود، یاد می‌کند و می‌نویسد: «این دو برخورد اتفاقی مرا به تعمق واداشت. من در قالب یک زن مقدس (الهی) شناخته می‌شدم؛ زیرا خود را پوشانده بودم. مردم فکر می‌کردند که یک راهبه

مسیحی هستم. این مسئله حس خوشحالی به من می‌داد؛ زیرا مردم مرا در قالب زنی که به خدا نزدیک است [خدایی است]، می‌شناختند» (همان).

البته گرچه وی این احساس خوشایند، یعنی در قالب «زن الهی» دیده شدن را به خوبی توصیف می‌کند و حتی عنوان «Women of God» را برای آن برمی‌گزیند و برجسته می‌کند، اما تحلیل شخصی قابل‌تعمقی درباره رنج عده‌ای دیگر به هنگام دیدن زن محجبه ارائه می‌کند که به نظر می‌رسد که این تحلیل نیز حاصل تجربه زیسته وی در کشورهای غیرمسلمان است؛ او می‌نویسد: «هرچند، این ادراک مشابه که کسی یادآور خدا باشد، همچنان مردم را به احساس ناراحتی وامی‌دارد، تحلیل من این است که مردم غیرمتدین در اطراف زن پوشیده، به احساس ناراحتی تمایل دارند؛ زیرا این زنان، یادآور خدا هستند؛ بنابراین، این حقیقت که خیلی از مردم آلمان به وجود خدا اعتقاد ندارند، در مورد زنان مسلمانی که ارتباط با خدا را اظهار می‌کنند، به داشتن برخوردهای گوناگون منتج می‌شود و در ارتباط با این زنان مسلمان، احساس متفاوتی را ایجاد می‌کند» (عزیزه سیز، ۲۰۲۲: ۱).

در حقیقت او بر این باور است که دوری مردم از خدا، نوعی فراموشی را در مورد وجود خدا و معنویت برای آنان ایجاد می‌کند که البته بر اساس آیه‌های الهی، نتیجه آن، خودفراموشی خواهد بود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ...»؛ «و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خودفراموشی گرفتار کرد...» (حشر، ۱۹). به عبارتی، آن‌ها به این فراموشی عادت کرده‌اند، اما با ملاحظه یک زن محجبه که نماد مشهود، پرننگ و خیره‌کننده‌ای از اجرای فرمان الهی است، به رنج و ناراحتی دچار می‌شوند. لازم به ذکر است که در سوره احزاب، در دو آیه، به علت پوشیدگی اشاره شده است: آیه‌های ۵۳ و ۵۹. در بخش حجاب اختصاصی زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «...إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ «... و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را [به صورت عاریه] از [همسران پیامبر] می‌خواهید،

از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است...» (احزاب، ۵۳) که علت، ناظر به پاکی قلب مردان و زنان در سایه رعایت ارتباط با نامحرم است. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند؛ این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است [و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده، توبه کنند؛] خدا همواره آمرزنده رحیم است» (احزاب، ۵۹). علت پوشیدگی در این آیه، شناخته شدن آن‌ها و در پی آن، مورد آزار قرار نگرفتن است.

نتیجه‌گیری

خانم دکتر کلودیا عزیزه سیز، نویسنده نومسلمان مطبوعات آلمانی، تجربه‌های شخصی خود را در مقاله‌ای با عنوان «زن مسلمان بودن در مرکزهای آموزشی و مطبوعاتی» بیان کرده و به کیفیت زندگی زن مسلمان در مجمع‌های علمی و مطبوعاتی اروپا پرداخته است. وی در بخشی از مقاله، تجربه زیسته خویش را از برخورد مردم اروپا با یک زن مسلمان محجبه می‌نگارد. برداشت وی از محتوای پرسش‌هایی که از وی شده، این است که برخی از شهروندان اروپایی برای زنان باحجاب، شأن و جایگاه معنوی قائل هستند. خانم سیز به روش پدیدارشناسانه که همان فهم مسئله از بیرون و نه از درون است و با رویکرد تفسیری و تجربه آگاهانه و مستقیم پدیده‌ها صورت می‌گیرد، به تبیین مقوله حجاب می‌پردازد و با برخورد خالص، دست اول و رها از نظریه‌ها و شائبه‌های پیشین، ماهیت پدیده پوشیدگی در نگاه غیرمسلمانان را بیان می‌کند. او به دنبال درک عمق مفهومی تجربه‌های زیسته خویش است و به همین دلیل، تعبیر عمیق «حجاب، علامت شفاف قابل مشاهده از زیست پرهیزکارانه زنان» را برای حجاب به کار می‌برد و معتقد است که مردم، میان پوشیدگی زنان محجبه و زندگی دین‌مدارانه، به یک

نوع ملازمت قائل هستند. احساس خوشایند بانوی الهی بودن با تعبیر (Women of God)، تجربه‌ای است که وی از نوع پرسش دیگران، وقتی که در دو ملاقات متفاوت از وی می‌پرسند که «شما به کدام گروه مسیحی تعلق دارید»، دریافت کرده است. البته پس از دریافت این معنا با استفاده از روش تحلیلی به قرآن - که مهم‌ترین متن دین اسلام است - مراجعه کرده، تجربه شخصی خویش را با این قسمت از آیه ۵۹ سوره احزاب که می‌فرماید: ﴿...ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ...﴾، انطباق داده، نتیجه می‌گیرد که خدا با حکم حجاب می‌خواهد زنان باورمند از دیگران بازشناخته شوند. این تجربه زیسته، تعریف جدیدی را از حجاب نمایان می‌سازد و آن، اتصال به نیروی متعالی خدا است. ثمره انطباق تجربه زیسته خانم کلودیا سیز با آیه تعلیل حجاب در قرآن کریم، به اثبات فطری بودن اصل پوشیدگی منجر می‌شود که تشریح حجاب شرعی متناسب با نیاز فطری را برای مخاطبان این حکم فقهی، بیشتر قابل فهم خواهد کرد. وی برای برخورد‌های متفاوت و رنج‌آور با محجبه‌ها نیز تحلیل قابل تأملی را ارائه می‌دهد و معتقد است که مردم غیرمتدین در اطراف زن پوشیده، به احساس ناراحتی تمایل دارند؛ زیرا زنان محجبه، یادآور خدا هستند؛ بنابراین، این حقیقت که خیلی از مردم آلمان به وجود خدا اعتقاد ندارند، در رفتار آنان با زنان محجبه مسلمانی که ارتباط با خدا را اظهار می‌کنند، تأثیر گذاشته، موجب رفتارهای متفاوت می‌شود. در مجموع، انطباق تجربه زیسته خانم کلودیا سیز با آیه‌های دربردارنده فلسفه حجاب در قرآن می‌تواند پیام ارزشمند دیگری را به مخاطبان قرآن عرضه کند و آن فطری بودن اصل پوشیدگی است که در پی آن، حجاب شرعی متناسب با همین گرایش فطری، تنظیم شده است.

کتابنامه

* قرآن.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
۲. ادیب حاج باقری، محمود و همکاران (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران: نشر شریف.
۳. امامی، مجید و نوید عمیدی مظاهری (۱۳۹۹)، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا: از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، فصلنامه جنسیت و خانواده، سال هشتم، ش ۱.
۴. بروکهاوس، فردریش آرنولد (۱۸۰۵)، دانشنامه بروکهاوس، آلمان - گوتزولوه: شرکت چندرسانه‌ای برتلسمان.
۵. بشیر، حسن (۱۳۹۰)، «سیاست فرهنگی تفاوت در بازنمایی حجاب اسلام در رسانه‌های غربی»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، ش ۱۵، ص ۴۵-۷۰.
۶. پاکتچی، احمد (۱۳۹۷)، برگزیده دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مدخل حجاب)، تهران: مؤسسه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۷. حسینی فائق، محمد مهدی (۱۳۹۱)، تأملی بر ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷)، مفردات الفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، قم: طلیعة النور.
۹. سمیعی، محمد (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی دیدگاه‌های شرق‌شناسان نسبت به پوشش زن مسلمان»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال شانزدهم، ش ۶۳، ص ۱۲۶-۱۵۵.
۱۰. صفاوردی، سوسن (۱۳۸۹)، «بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی (جنبه حقوقی و سیاسی)»، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، ش ۴۸، ص ۲۹۶-۳۳۹.
۱۱. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. غلامی، علی (۱۳۹۱)، مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی - جامعه‌شناختی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۱۴. گروه ترجمه انجمن اسلامی شهید ادواردو آنیلی (۱۴۰۰/۱/۲۹)، ترجمه مونا نیکزادفر،

سامانه رهیافتگان.

۱۵. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۶)، «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸، ص ۸۸-۱۳۴.
۱۶. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۷. میرطاهری، زهرا و کیوان صالحی (۱۳۹۴)، «تحلیل ادراک و تجربه زیسته دانش آموزان دختر در مورد پوشش مناسب در مدارس متوسطه»، دومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، بازیابی در: «civilica.com/doc/521898».
18. Creswell, J. (2015), Research design, Danaeifard, H. & Kazemi, Tehran: Saffar Pub.
19. Eisenstein, Hester (2010), Feminism Seduced: How global elites use women, lader and ideas to exploit the word, Paradigm Publishers.
20. Given, Lisa, ed. (2008), «Lived Experience», The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods, SAGE Publications, Retrieved: 2018-04-02.
21. Hall, S. (1997), Representation: Cultural Representations and Signifying
22. Hester Eisenstein, Feminism Seduced: How global elites use women's labor and ideas to exploit the world (Paradigm Publishers, 2010).
23. Weber, Beverly (2013), «Contentious Headscarves: Cleaning Woman, Forbidden Schoolteacher, Hijab Martyr», In book: Violence and Gender in the New Europe, pp.77-112.
24. Seise, Claudia Azizah (2022), Being a Muslim Woman in Academia and Journalism.